

بررسی نقش الگوی شهروندی در ارتقاء فرهنگ شهروندی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی استان تهران)

علی سیف زاده^۱

منصور حقیقتیان^۲

چکیده

امروزه در تمام جوامع شاهد تغییر و تحولات لحظه‌به‌لحظه‌ای هستیم که نهادهای مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را تحت تأثیر خود قرار داده است. در این میان الگوی شهروند یاری رویکردی نوینی است که می‌تواند سرآغازی بر حل بسیاری از چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی در کشور باشد. از این رو هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش الگوی شهروندی در ارتقاء فرهنگ شهروندی دانشجویان بود. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری را کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ در سه رشته علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی مشغول به تحصیل بودند تشکیل داد (N= ۱۱۹۶۲). با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۳۷۲ نفر به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. ابزار تحقیق را دو پرسشنامه محقق ساخته الگوی شهروندی یاری و فرهنگ شهروندی تشکیل داد. پایایی هر دو پرسشنامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد که برای پرسشنامه الگوی شهروندی ضریب ۰/۸۶/۲ و پرسشنامه فرهنگ شهروندی ضریب ۰/۸۸/۲. به دست آمد که هر دو ضریب به‌دست‌آمده نشان از همسانی درونی بالای گویه‌ها بود. روایی هر کدام از پرسشنامه‌ها از طریق متخصصین به دست آمد. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون حاکی از آن است که بین الگوی شهروندی یاری با فرهنگ شهروندی دانشجویان و همچنین بین مؤلفه‌های مسئولیت فردی و اجتماعی، پایبندی به قوانین و عرف جامعه و مشارکت‌پذیری با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. سرانجام نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که بعد مشارکت‌پذیری با ضریب بتای ۰/۳۶ سهم معناداری در فرهنگ شهروندی دانشجویان دارد.

کلیدواژه‌ها: الگوی شهروند یاری، رویکرد نوین، فرهنگ شهروندی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۰۳

^۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقانان، دهقانان، ایران. پست

الکترونیکی: seyfzadehali@yahoo.com شماره تماس: ۰۹۱۲۳۱۲۲۴۸۹

^۲ - دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقانان. پست الکترونیکی: Masour_haghighatian@yahoo.com

مقدمه

امروزه تمایل کشورها به توسعه و پیشرفت پایدار، فرهنگ و مطالعات فرهنگی را به یکی از مهم‌ترین موضوعات پژوهشی تبدیل کرده است. فرهنگ شهروندی به‌عنوان یک مفهوم نو در بافت نوین زندگی جمعی انسانی که هادی تعاملات پایدار انسانی است از جمله این موضوعات مهم مورد توجه است. فرهنگ شهروندی متأثر از مفهوم فرهنگ و شهروند در طول تاریخ بوده است. در دیدگاه متقدمین مفهوم شهروندی در جایگاه قانونی و با تبعیت مردم از دولت بار می‌یافت درحالی‌که امروزه مفهومی فراتر از قانون پیدا کرده و صرفاً تعبیری حقوقی ندارد (کاستلز و دیویدسون^۱، ۱۳۸۲).

فرانوین گرایان بازشناسی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در شناسایی جایگاه مفهوم فرهنگ و شهروند و به تبع آن فرهنگ شهروندی لازم می‌دانند. از این رو مطالعات شهروندی روند تازه‌ای می‌گیرد و با بازیابی مفهوم فرهنگ و اهمیت آن در زندگی جمعی شهروندی، شکل و روح جدیدی در مطالعات شهروندی دمیده می‌شود (ایزین و ترنر^۲، ۲۰۰۲). شدت توجه به مفهوم شهروندی امروزه به حدی است که نه تنها جایگاه قانونی و حقوق شهروندی بدون هیچ محدودیتی مطالبه می‌شود بلکه مفهوم شهروندی مفهومی چندبعدی پیدا کرده است (جانوسکی و گران^۳، ۲۰۰۲).

تأکید بر مفهوم فرهنگ شهروندی به این دلیل است که زندگی در محیط‌های شهری و هر محیطی انسانی، مستلزم پذیرش و نهادینه کردن انواعی از هنجارهای اجتماعی، قانونی و حقوقی است که به شکلی پایدار ضمن نظامند ساختن روابط اجتماعی، تمامی فعالیت‌ها، تمایلات و نیازهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افراد را سامان داده و مانع از اعمال ستم و زور به شهروندان می‌شود. اما فرهنگ پدیده‌ای اکتسابی، انتقال‌پذیر، پویا و آموختنی است. به‌واسطه همین ویژگی‌ها، فرهنگ شهروندی را می‌توان قابلیت اکتسابی و توانایی غیر غریزی انسانی تعریف کرد که شکل‌دهنده به سبک کلی زندگی و هادی تعاملات او با دیگران باشد. (هرناندز و مایر^۴، ۱۳۸۷). لذا با توجه به قابلیت اکتسابی بودن فرهنگ شهروندی، آموزش، بهترین شیوه برای انتقال فرهنگ شهروندی به شهروندان است.

1- Casteless & Davidson-

2 - Isin & Turner

3 - Thomas Janoski & Brian gran

4- Hemandez and Mater-

درک نیازها و اولویت‌های زندگی انسانی از یک‌سو و وابستگی تام توسعه و تحول درون‌زای یک کشور به تربیت انسانی از سوی دیگر، فرهنگ شهروندی را که محصولی انسان ساخت و انسان‌ساز است، به مهم‌ترین چالش کشورها برای تربیت نسل آینده مبدل ساخته است. موضوعی که توانایی خلق و بسط هویت فردی و جمعی را در بافت‌های گوناگون زندگی انسانی دارد. شهروندی از یک‌سو به شهر با هویت شهری تعلق دارد و از دیگر سو با هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی رابطه مستقیم دارد (کاستلز و همکاران، ۱۳۸۲؛ روچ^۱، ۲۰۰۲؛ گروسمن^۲، ۲۰۰۰؛ جانوسکی و همکاران^۳، ۲۰۰۲). این واقعیت را نیز سیر تاریخی مفهوم فرهنگ شهروندی نشان می‌دهد (قلیزاده، شریفی و شاه‌طلبی، ۱۳۸۹: ۷۴).

موضوعی که آموزش شهروندیاری را بیش‌ازپیش الزامی می‌کند این است که اغلب مردم برای انجام فعالیت‌های اجتماعی خود آموزش‌های لازم را ندیده‌اند و در نتیجه رفتار آنان بر اساس مشاهده و تقلید رفتارهای دیگران بوده است. حال اگر این رفتار برای رسیدن به اهداف مناسب نباشد برای تقلیدکنندگان معضلاتی را به وجود می‌آورد که منجر به پدید آمدن معضلاتی در جامعه می‌شود؛ پس ضرورت آموزش‌هایی به‌منظور شهروند خوب بودن کاملاً احساس می‌شود. اینکه این آموزش شامل چه مواردی باشد بستگی دارد به نوع نیازهایی که در جای خود باید شناسایی و موردبررسی قرار گیرد و به‌تناسب آن نیازها باید آموزش‌هایی ارائه شود (سپینانی، سعادت‌مند و کریمی، ۱۳۸۶: ۸۵).

صاحب‌نظران مختلف با توجه به نگاه خود تبیین‌هایی را در مورد شهروندی و آموزش آن ارائه کرده‌اند. گوايگلی^۴ (۲۰۰۴) سه مؤلفه به‌هم‌پیوسته دانش شهروندی، مهارت شهروندی و نگرش شهروندی را از عناصر اصلی تعریف شهروندی می‌داند و آموزش شهروندی را توسعه دانش، مهارت و نگرش شهروندی در فراگیران می‌داند (هاشمی، صالحی عمران و غیائی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

به‌طورکلی آموزش‌های شهروندیاری چهار کارکرد اصلی دارد: ۱- در این آموزش‌ها کمک می‌شود که هر شهروند در امور اجتماعی‌اش مشارکت نماید ۲- شهروندان را نسبت به موضوعات اطرافشان حساس کرده و درک و دریافت ذهن آن‌ها را متحول می‌کند ۳- به شهروندان یاد می‌دهد که به خود، جامعه و جهان احترام بگذارند و ۴- در نهایت تأکید می‌شود که در امور اجتماعی دیگران را به خود ترجیح دهند (پژمان، ۱۳۸۷: ۴۷). در این خصوص می‌توان به مطالعات وارن

¹ -Roche

² - Davd Grossman

³ - Janoski. T, Gran B

⁴ - Quigley

پرایور (۱۹۹۹)؛ برون (۱۹۹۶)؛ فتحی (۱۳۸۱)؛ لاگوس (۲۰۰۲)، به نقل از هاشمی، صالحی عمران و غیائی، (۱۳۸۷)؛ محمودی، (۱۳۹۰)؛ قلی زاده، شریفی و بدری (۱۳۸۹)؛ و سعادت‌مند و سرلک (۱۳۹۱)، اشاره کرد که در همه این مطالعات ویژگی‌هایی را برای شهروند خوب برشمرده‌اند.

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی نقش الگوی شهروندیاری در ارتقاء فرهنگ شهروندی دانشجویان است. برای الگوی شهروندیاری از طریق مطالعه مبانی نظری سه مؤلفه مسئولیت فردی و اجتماعی (سپیانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ قلی زاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ نیکنامی و مدانلو، ۱۳۸۷؛ و میدلتون، ۲۰۰۳)؛ پایبندی و به قوانین و عرف جامعه (قلی زاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ نیکنامی و مدانلو، ۱۳۸۷؛ هاشمی، ۱۳۸۹؛ و بناپو و تیلور^۱، ۲۰۰۵)؛ و مشارکت‌پذیری (قلی زاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ یانگ، ۲۰۰۲)، و مجموعاً ۳۲ شاخص در نظر گرفته شد.

در این تحقیق مسئله اصلی این است که بین الگوی شهروندیاری و فرهنگ شهروندی دانشجویان چه رابطه‌ای وجود دارد؟ و نقش الگوی شهروندیاری در ارتقاء فرهنگ شهروندی چیست؟ بررسی رابطه بین مسئولیت فردی و اجتماعی با فرهنگ شهروندی دانشجویان، بررسی بین پایبندی به قوانین و عرف جامعه با فرهنگ شهروندی دانشجویان و بررسی رابطه بین مشارکت‌پذیری با فرهنگ شهروندی دانشجویان از دیگر اهداف مورد بررسی این نوشتار است.

مبانی نظری

تمامی کشورهای جهان امروز به دنبال تقویت انواع سرمایه و در پی آن رشد روزافزون توسعه و استحکام قدرت خویش‌اند. یکی از این سرمایه‌های معنوی، نیروی انسانی مشارکت‌جو و فعال است که نقصان آموزش، تأثیری منفی در روند رشد و توسعه کشورها بر جای گذاشته و موجب بروز آسیب‌ها و مشکلات عدیده‌ای در جامعه گردیده است. بی‌تردید، جامعه پویا به نیروی انسانی آموزش‌دیده نیاز دارد که با به‌کارگیری برنامه‌های علمی، عملی و فنی شاکله توسعه و پیشرفت جامعه را فراهم سازد. علت این امر مطمئناً چالش‌ها و تعارضاتی است که در زندگی روزمره فعلی وجود دارد. از جمله این بحران‌های پیش رو، می‌توان جهانی‌شدن و بومی ماندن، بحران جمعیت، تغییرات در فن‌آوری اطلاعات و تکنولوژی، بحران زیست‌محیطی، بحران انرژی و ... اشاره کرد. در این راستا الگوی شهروند یاری تلاشی است برای آماده‌سازی نیروی انسانی در بستر توسعه پایدار. در ادامه به دو بحث اصلی الگوی شهروند یاری و آموزش شهروندی پرداخته می‌شود.

^۱ - Benabou Tirole

شهروندی و آموزش شهروندیاری از دیدگاه‌های مختلف اجتماعی، فلسفی، سیاسی، اقتصادی، تربیتی و... موردتوجه قرار دارد. از دید اجتماعی، مشارکت در جریان‌های اجتماعی، وحدت اجتماعی، عدالت و تقویت حقوق انسانی و خودگردانی را به همراه دارد. از دید اقتصادی، ایجاد صلاحیت‌های حرفه‌ای در افراد از این جهت مهم است که در افزایش بهره‌وری، تربیت نیروی کار ماهر و ایجاد یک محیط مناسب برای نوآوری در دنیای رقابتی نقش مهمی دارند. علاوه بر آموزش و پرورش، سازمان‌های بسیار زیادی علاقه‌مند به موضوع آموزش شهروندی هستند (محمودی، ۱۳۹۰: ۹۷).

در دوره‌های مختلف تاریخی، آموزش مدنی و آموزش شهروندی با هدف تشکیل دولت و ایجاد هویت ملی، میهن‌پرستی و وفاداری به حاکمیت بوده است؛ اما امروزه هدف آموزش شهروندی رسیدن به مجموعه گسترده‌ای از اهداف فردی، اجتماعی و فرهنگی است که نشان‌دهنده تغییر وسیع مفهوم «شهروند خوب» است (وارنسکن و توماسلو^۱، ۲۰۰۹).

مفهوم شهروندیاری اگرچه دارای یک تاریخ طولانی است، اما هنوز هم مبهم و مسأله‌دار است. این مقوله با آموزش ارزش‌ها، مفاهیم، هنجارها و قوانین به شدت گره خورده است و رموز و پیچیدگی‌های موجود در ارزش‌های حاکم بر هر جامعه‌ای تصویری متفاوت به شهروندان و صلاحیت‌های ضروری آنان می‌دهد. به طور کلی شهروندیاری سه حیطه «شناخت و آگاهی مدنی»، «مهارت‌های مدنی» و «بینش مدنی» را دربر می‌گیرد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۱؛ لاگوس، ۲۰۰۲). شناخت مدنی عبارت است از مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، اطلاعات و درک و فهم مدنی. توانایی مدنی شامل مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی که هر فرد برای زیست در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند به آنها نیاز دارد. همچنین نگرش مدنی عبارت است از: مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، باورها و دیدگاه‌هایی که برای یک شهروند خوب ضروری است. (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۲) در یک جمع بندی می‌توان گفت که مفهوم شهروندی مفهومی نظری و شهروندیاری عملی است و به عبارتی نمود شهروندی در شهروندیاری است.

مفهوم شهروندی

ارائه تعریف از مفهوم شهروندی با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی صورت می‌گیرد و بر این اساس تعریف یگانه‌ای از آموزش شهروندی وجود ندارد. مارشال را می‌توان یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان شهروندی و آغازگر نظریه اجتماعی شهروندی دانست (نجاتی، ۱۳۸۱: ۳۴).

^۱ - Warneken & Tomasello

هابرماس بیان می‌کند که شهروندی فعال و واقعی، با مشارکت همه اعضای جامعه در نهادهای حکومتی، امکان پذیر می‌شود. طبق اصول دموکراسی، تعداد زیادی از افراد یک جامعه نمی‌توانند زندگی و کار کنند، اما از فرصت اتخاذ تصمیمات در مورد آینده خود و جامعه شان برخوردار نباشند. عضویت در یک جامعه سیاسی افزون بر حقوق، دربردارنده مسئولیت‌ها و وظایف نیز هست. بدینسان حقوق نیازمند تعهدات متقابل است، اساساً به دلیل اینکه شهروندی دربردارنده مسئولیت‌ها و وظایف و مشارکت است (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۶-۱۶۵).

به‌طورکلی آموزش شهروندی شامل هر نوع تأمل درباره شهروندی است. تعاریف موجود آموزش شهروندی را می‌توان از دو منظر متفاوت نگریست:

الف) تأکید بر بعد سیاسی و حکومتی در آموزش شهروندی: بعضی از پژوهشگران مانند تورنی پورتا^۱ بر جنبه سیاسی شهروندی تأکید دارند، مثلاً تربیت شهروندی به آن بخش از فعالیت‌های تربیتی اطلاق می‌شود که در اشکال رسمی و غیررسمی، افراد یک جامعه را برای عضویت در جامعه سیاسی آماده می‌کند یا مانند هودسن در چشم‌انداز ملی، فلسفه اصلی تربیت شهروندی، دستیابی به مقاصد چون وفاداری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در مقابل قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش‌های بنیادین جامعه نظیر تساوی، برابری، علاقه، مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی است (قاندی، ۱۳۸۵: ۱۹۱).

ب) تأکید بر فرایندها (سبک و نحوه زندگی) در آموزش شهروندی: برخی از پژوهشگران از جمله دیوئی این تعریف را مطرح نموده‌اند: تربیت دموکراتیک عبارت است از ایفای فرایندهای تربیتی به شیوه دموکراتیک در محیط‌های یادگیری. از طریق فرایندهای تربیتی دموکراتیک، می‌توان اصول دموکراتیک را در ذهن دموکراتیک فراگیران نهادینه کرد. همچنین تربیت دموکراتیک می‌تواند دانش، مهارت و منش دموکراتیک را در دانش آموزان و به‌ویژه دانشجویان ایجاد کند (جاویدی، ۱۳۸۸: ۴۵).

از سوی دیگر بعضی از پژوهشگران بین تربیت مدنی و آموزش شهروندی تفاوت قائل هستند. گروهی مانند موریس و کوگان^۲، (۲۰۰۱) بر آن‌اند که تربیت مدنی بیشتر با آموزشی مرتبط است که بر دانش مربوط به عناصر جامعه تأکید می‌کند، درحالی‌که آموزش شهروندی بر یک فرایند یادگیری فعال و مشارکتی دلالت دارد (بروبکر، ۲۰۰۴: ۱۰۵). درعین حال در عمل در بسیاری از کشورها

1 Torney-purta-

2 - Morris and Cogan

عنوان‌های موضوعات بر اساس این تفسیر نیست. برای مثال در فرانسه واژه آموزش مدنی استفاده می‌شود که به معنی برنامه درسی سبک شهروندی حداقلی نیست. در آموزش شهروندی انگلستان ویژگی‌های شهروندی تحت تأثیر دیدگاه سیاسی دیوید بلانکت وزیر آموزش و پرورش (وقت) که کریک از پژوهشگران علوم سیاسی بیان کرده سه مفهوم مورد توجه است: ۱- مسؤلیت اجتماعی و اخلاقی ۲- سواد سیاسی ۳- درگیری (مشارکت) اجتماعی. به صورت قانونی این مفاهیم در سه زمینه وسیع بیان شد: ۱- دانش و درک ۲- مهارت‌های ارتباط و سنجش ۳- مهارت‌های مشارکت و عمل مسئولانه (جروم، ۲۰۰۶: ۳۱۵-۳۱۴).

پیشینه بحث

در رابطه با موضوع ارتباط آموزش‌های شهروندیاری با ارتقای فرهنگ شهروندی از نظر کمی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. آلبایر (۱۹۹۸) در طول مطالعه خود در مورد دبیرستان‌های آمریکا به این نتیجه رسید که عده زیادی از جوانان نسبت به دنیای بیرون احساس بریدگی و بی‌نیازی دارند. به اعتقاد وی ضروری است که دانش‌آموزان به‌عنوان بخش اعظم آموزش مدنی دریابند که یادگیری برای زندگی کردن است. این آموزش به معنای توسعه‌ی توانا کردن قضاوت‌ها، شکل دادن به اعتقادات و در راستای ارزش‌های هر جامعه است. مطالعات آرتور و بیلی (۲۰۰۰) نشان داد که آموزش شهروندی به‌صورت اساسی با آموزش اخلاقی مرتبط و نقطه تلاقی آموزش و پرورش و سیاست است. به نظر وی، آموزش شهروندی، تعهد به داشتن ظرفیت پاسخگو بودن و آمادگی ایجاد و تقویت سواد سیاسی را در افراد در برمی‌گیرد. مطالعات میدلتون (۲۰۰۲)، نشان داد که نیاز ضروری شهروندان فراگرفتن مهارت‌هایی برای شهروند خوب بودن است، که این تعهدها عبارت‌اند از: توانایی گفت‌وگو، برنامه‌ریزی مالی، انتخاب صحیح، مهارت‌های استفاده از رسانه‌های جمعی، به دست آوردن سرمایه، انتخاب همسر متعهد به جامعه، استفاده از فناوری به‌عنوان یک فعالیت گروهی، استفاده از اینترنت برای یک فعالیت گروهی، استفاده از اینترنت برای یک فعالیت شهروندی، مسؤلیت در برابر توسعه، مشورت و انتخاب کار، تبلیغات و بازاریابی.

اولین تلاش بین‌المللی معاصر برای مفهومی نمودن آموزش شهروندی را گروه تحقیقاتی مؤسسه بین‌المللی ارزشیابی موفقیت تحصیلی با طراحی و انتخاب مدل مفهومی (مدل هشت ضلعی آموزش شهروندی IEA) انجام داد که بیانگر دیدگاه‌های نقش‌آفرینان اصلی و دانشمندان بود که آن را مناسب آموزش شهروندی در جامعه مردم‌سالار می‌دیدند دومین تلاش معروف در این زمینه برگزاری سمینار آموزش شهروندی در ژانویه ۱۹۹۹ به همت اداره برنامه درسی و ارزشیابی

انگلستان در لندن بود. در این سمینار پیشنهاد ایجاد پیوستار شهروندی و آموزش شهروندی از حداقل تا حداکثر معنا ارائه گردید. سومین تلاش بین‌المللی در این زمینه گردهمایی در «مرکز چند فرهنگی» دانشگاه واشنگتن در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴ بود که حاصل آن شناسایی یک سری اصول و مفاهیم اساسی بود که باید زیربنای آموزش به‌منظور شهروندی در حکومت مردم‌سالاری چند فرهنگی را تشکیل دهد (گوزای، ۱۳۸۷: ۲۲). بررسی دیگری که مؤسسه بین‌المللی ارزشیابی موفقیت تحصیلی (۲۰۰۱)، در مورد تربیت شهروندی بر روی دانش آموزان ۱۴ ساله انجام داد، نشان می‌دهد در بیشتر کشورها درکی که دانش آموزان از ارزش‌های مؤسسات بنیادی دموکراتیک دارند، غالباً سطحی و کم‌مایه است (قائدی، ۱۳۸۵: ۱۹۳). البته این نتایج با بررسی دامون (۱۹۹۰)، که در آن کودکان ۱۴ ساله نشان داده بودند که شهروندی برای آن‌ها هیچ معنی نمی‌دهد و برخی از آن‌ها اعلام کرده بودند که هیچ تمایلی به معرفی شهروند خوب ندارند، همسو نیست. بر اساس بررسی مرکز اطلاعات و تحقیق بر روی یادگیری و مشارکت مدنی نزدیک به یک‌سوم دانش آموزان مرحله اول دبیرستان درکی بنیادی از اینکه چگونه دولت ایالات‌متحده در سال ۱۹۹۸ عمل کرده است، ندارند. به‌علاوه دانش آموزان نسبت به مشارکت در تصمیمات سیاسی عمومی که زندگی آنان را متأثر می‌کند، تمایل نشان دادند.

آموزش شهروندی در انگلستان به‌طور سنتی سوابق محدودی دارد. در سال ۲۰۰۲ آموزش شهروندی به‌عنوان یک موضوع اجباری در برنامه درسی ملی وارد شد. تا قبل از این تاریخ آموزش شهروندی در پاسخ به تغییرات اجتماعی فرازوفرود پیدا می‌کرد. در سال‌های اخیر مسئولیت آموزش شهروندی در برنامه درسی ملی شامل سیاستمداران و متخصصان آموزش و پرورش بوده است. در سال ۱۹۹۷ کمیسیونی بنا به پیشنهاد دیوید بلانکت وزیر آموزش و پرورش و به سرپرستی برنارد کریک فیلسوف علوم سیاسی تشکیل شد. آموزش و پرورش برای «کمیسیون گزارشی تحت عنوان در سال ۱۹۹۸» شهروندی و تدریس دموکراسی در مدارس منتشر کرد که تداوم برنامه‌های مطالعه تجسم بخشیدن به مفهوم دموکراسی و شهروندی فعال در جمهوری مدنی بوده است. ویژگی‌های مدل جمهوری مدنی عبارت است از: تأکید بر نقش دولت برای ارتقای فعالانه «فضایل مدنی»، تأکید بر وظایف شهروندی و تأکید بر مشارکت مدنی به‌عنوان یک بعد زندگی خوب (جروم، ۲۰۰۶، ۳۱۵-۳۱۴).

جان تامسون (۱۳۸۷) می‌گوید: محور آموزش‌های شهروندی، تقویت قوه‌ی تخیل و استعدادهای بالقوه شهروندان است. از این‌رو شهروندان باید با مشعل‌هایی روشن و پرنور حرکت کنند و راه را به دیگران نشان دهند. اگر این مشعل‌ها خاموش باشد، روح پرجوش و خروش آن‌ها خاموش

خواهد ماند، هرچند که مشعل‌ها در دست‌هایشان است اما در عمل کاربردی ندارد (نوید، ۱۳۸۷: ۴۷). مؤسسه شهروندی انگلستان پروژه «آموزش شهروندی برای دانش آموزان با نیاز خاص دوره متوسطه» را تهیه نمود که آموزش شهروندی را مفهومی برای «افزایش سواد سیاسی»، «گسترش مهارت‌های بحث و تحقیق»، متمرکز کرده است. دست‌اندرکاران مؤسسه «تشویق مشارکت فعال» معتقدند که آموزش شهروندی نمی‌تواند در یک درس هفتگی تحقق یابد بلکه باید در کل جامعه منعکس شود (یونگ، ۲۰۰۲: ۴).

دو پژوهشگر سوئدی کریستین و میکال^۱ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان آموزش شهروندی و لیبرالیسم: با مرور ۵۵ مقاله منتشرشده در این‌باره در طول ۲۰ سال اخیر (۲۰۱۰-۱۹۹۰)، از ترکیب دو بعد اخلاقی و بعد عمومی چهار موقعیت آموزش شهروندی را شرح می‌دهند که شامل الف) چند فرهنگ‌گرایی، ب) بازار (آزاد، ج) وحدت‌گرایانه د) جهان‌گرایانه است.

بررسی‌های عالی (۱۳۸۱) با عنوان راهکارهای آشنا کردن مردم با حقوق شهروندی و نهادینه کردن آن نشان داد که حقوق شهروندی و وظایف یک شهروند خوب باید به نوجوانان و جوانان آموزش داده شود و جامعه شهری برای نهادینه کردن شناخت حقوق و وظایف شهروندی به آموزش غیررسمی و غیرمستقیم نیازمند است. قاضی (۱۳۸۱)، در تحقیق خود با عنوان راهکارهای نهادینه کردن فرهنگ شهروندی در ساخت اجتماعی ایرانی از دیدگاه صاحب‌نظران به این نتیجه دست‌یافت که آموزش هدفمند از طریق مدارس در سطوح مختلف راهکاری مناسب برای نهادینه کردن فرهنگ شهروندی است. در پژوهش نیکنامی و مدانلو (۱۳۸۷) با عنوان «تکلیف» مؤلفه‌های آموزش شهروندی در دوره راهنمایی تحصیلی برای نتایج نشان داده است که «ارائه یک چارچوب نظری مناسب حیطه رفتار اجتماعی و سیاسی، قانونمندی و قانون‌گرایی، رفتار ملی-مذهبی و حیطه زیست‌محیطی و توسعه پایدار به ترتیب بیشترین حیطه‌های اصلی آموزش شهروندی به شمار می‌روند. نتایج تحلیل محتوای کتاب‌های راهنمایی تحصیلی نشان داده است که بین میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها و میزان توجه به آن‌ها در کتاب‌های درسی رابط معناداری وجود ندارد (نیکنامی و همکار، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

هاشمی (۱۳۸۹)، در پژوهش خود مفاهیم تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی را از دیدگاه دبیران بررسی کرد و نشان داد که به نظر دبیران بالاترین میانگین مؤلفه شهروندی حقوق اجتماعی و پایین‌ترین آن عدالت و برابری است. مفاهیم تربیت شهروندی در پایه سوم راهنمایی نسبت به پایه‌های اول و دوم به‌طور متوسط بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. سپیانی،

1- Fernández Christian & Sundström Mikael

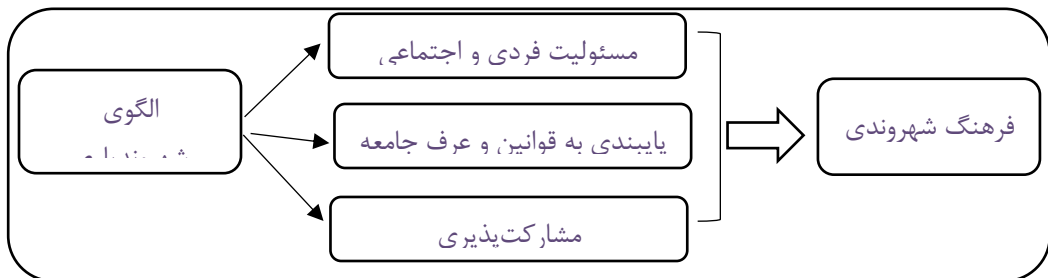
سعادت‌مند و کریمی (۱۳۹۰)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که آموزش شهروندی و آشناسازی دانش‌آموزان با حقوق شهروندی، زمینه و بستر مناسب را برای یک شهروند خوب بودن، برقراری نظم و امنیت در جامعه، افزایش میزان مشارکت مدنی افراد، رعایت حقوق سایر شهروندان و ارتقای فضیلت جامعه شهری میسر می‌کند و سطح فرهنگ، اندیشه و معلومات افراد را بالا می‌برد. با مرور اجمالی ادبیات تحقیق می‌توان گفت که تحقیقات متعددی پیرامون موضوع شهروندی در داخل و خارج از کشور انجام گرفته که هر کدام از بعدی به این مساله پرداخته اند. آنچه این پژوهش را از سایر تحقیق‌های انجام شده متمایز می‌کند و به نوعی نوآوری پژوهش محسوب می‌شود، بررسی ارتباط بین دو مفهوم الگوی شهروندیاری و فرهنگ شهروندی از نظر دانشجویان است، که پژوهش مستقلی با این عنوان و با این جامعه آماری انجام نگرفته است. با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، الگوی مفهومی تحقیق متشکل از دو متغیر اصلی الگوی شهروندیاری و فرهنگ شهروندی و سه مؤلفه مسئولیت فردی و اجتماعی، پایبندی و قوانین و عرف جامعه و مشارکت‌پذیری و مجموعاً ۳۲ شاخص تدوین گردید که در جدول شماره ۱ به آن اشاره شده است.

جدول شماره ۱: مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی شهروندیاری

مؤلفه	شاخص
مسئله پایبندی اجتماعی و فردی	✓ رعایت اخلاق اسلامی در تعاملات اجتماعی
	✓ پایمال نکردن حقوق مردم و احترام به حقوق آنان
	✓ توسعه حس قدرشناسی و تقدیر نسبت به میراث فرهنگی و تقویت هویت ملی
	✓ تقویت مبنای خانواده
	✓ احساس مسئولیت و تکلیف در ارتباط با محیط‌زیست؛
	✓ افزایش احترام به ارزش‌هایی همچون برابری، عدالت و مانند آن
	✓ تقویت غرور ملی در سطح جامعه
	✓ آگاهی از عقاید و دیدگاه‌های اساسی احزاب سیاسی و اجتماعی عمده کشور
	✓ مشارکت فعال در مسائل، مشکلات و امور جامعه ملی و محلی
	✓ آگاهی از مسائل، حوادث و مشکلات جاری جامعه
	✓ نگرانی نسبت به آسایش جمعی
	✓ داشتن روحیه بردباری و تحمل
	✓ داشتن حساسیت در برابر هنجارشکنان در امور جمعی

<ul style="list-style-type: none"> ✓ عمل مستقلانه و مسئولیت‌پذیری درباره اموری چون نحوه سازمان یافتن جامعه ✓ آگاهی از نحوه عملکرد دولت ملی و محلی ✓ احترام به وجود تکثیر و تنوع در جامعه ✓ احترام و تساوی فرصت‌ها برای دختران و زنان ✓ جلوگیری از آسیب‌رسانی اجتماعی و افزایش بردباری و تحمل ✓ پذیرش نظم و تبعیت از قوانین اجتماعی ✓ آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی ✓ آگاهی از حقوق شخصی ✓ آگاهی از ساختار و نحوه عملکرد دولت در سطح ملی و محلی ✓ آگاهی از وضعیت عقاید احزاب و گروه‌های سیاسی در کشور ✓ رفتار بر اساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب جامعه 	<p>پایبندی به قوانین و عرف جامعه</p>
<ul style="list-style-type: none"> ✓ توانایی انجام کار گروهی ✓ جلوگیری از پیش‌داوری و قضاوت عجولانه ✓ توانایی پذیرش تصمیم‌گیری بر اساس مصلحت جمعی و گروهی ✓ پذیرش نقد و ارزیابی ✓ اهتمام بیشتر برای حل مشکلات از طریق مشارکت در امور مدنی ✓ خوش‌بین بودن ✓ عمل به قوانین و عرف جمعی در وظایف شخصی ✓ داشتن نگرش سیستمی در جامعه 	<p>مشارکت‌پذیری</p>

همچنین الگوی مفهومی تحقیق را می‌توان بدین‌صورت می‌توان ترسیم نمود:



شکل ۱: الگوی مفهومی تحقیق

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر برحسب هدف آن از نوع پژوهش‌های کاربردی، و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها در زمره تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری را کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ در سه رشته علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی (دانشگاه خوارزمی، تربیت مدرس، تهران، شهید رجایی، شاهد و شهید بهشتی) مشغول به تحصیل بودند تشکیل داد ($N=11962$). هدف از انتخاب دانشجویان تحصیلات تکمیلی به دلیل حساسیت موضوع شهروندی بود؛ چراکه به اعتقاد صاحب‌نظران افراد پس از ورود به دانشگاه‌ها در طی گذشت مدت‌زمانی با مباحث مختلف شهروندی آشنا می‌شوند و هدف از انتخاب ۶ دانشگاه خوارزمی، تربیت مدرس، تهران، شهید رجایی، شاهد و شهید بهشتی، برخورداری از سه رشته علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی و بهره‌مندی از نظرات دانشجویان رشته‌های مختلف بود. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۳۷۲ نفر به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه محقق ساخته الگوی شهروندیاری و فرهنگ شهروندی استفاده شد. پرسشنامه الگوی شهروندیاری دارای سه مؤلفه مسئولیت فردی و اجتماعی، پایبندی به قوانین و عرف جامعه و مشارکت‌پذیری و مجموعاً ۳۲ گویه و پرسشنامه فرهنگ شهروندی مجموعاً دارای ۱۵ گویه بود. لازم به ذکر است مؤلفه‌های الگوی شهروندیاری از طریق مطالعه مبانی نظری داخلی و خارجی استخراج گردید. پایایی هر دو پرسشنامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد که برای پرسشنامه الگوی شهروندیاری ضریب $0.86/2$ ، (مؤلفه مسئولیت فردی و اجتماعی $0.82/2$ ، مؤلفه پایبندی به قوانین و عرف جامعه $0.88/6$ و مؤلفه مشارکت‌پذیری $0.86/8$)، و پرسشنامه فرهنگ شهروندی ضریب $0.88/2$ به دست آمد که هر دو ضریب به‌دست‌آمده نشان از همسانی درونی بالای گویه‌ها بود. روایی هرکدام از پرسشنامه‌ها از طریق متخصصین دانشکده‌های علوم اجتماعی علوم تربیتی و روانشناسی سه دانشگاه خوارزمی، تهران و بهشتی به دست آمد. درنهایت داده‌ها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه (مدل ایتر) از طریق نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

یافته حاصل از پرسش اصلی پژوهش «آیا بین الگوی شهروندیاری با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟» که با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید در جدول ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: سنجش رابطه بین الگوی شهروندی با فرهنگ شهروندی دانشجویان

شاخص	فرهنگ شهروندی	نتیجه آزمون
الگوی شهروندی	ضریب پیرسون	.۴۳۲
	Sig (سطح معناداری)	.۰۰۰
	فراوانی	۳۷۲

نتایج حاصل از جدول حاکی از آن است که بین الگوی شهروندی با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی ($r = .432$) در سطح ($p = 0,01$) معنادار است و جهت رابطه به صورت مستقیم و مثبت است، یعنی هر چه الگوی شهروندی بیشتر در بین دانشجویان جاافتاده‌تر باشد، فرهنگ شهروندی دانشجویان نیز افزایش می‌یابد.

۱- پرسش فرعی یک: آیا بین مسئولیت فردی و اجتماعی با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟ به‌منظور پاسخ‌دهی به این پرسش پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج در ادامه ذکر شده است.

جدول شماره ۲: سنجش رابطه بین مسئولیت اجتماعی و فردی با فرهنگ شهروندی

شاخص	فرهنگ شهروندی	نتیجه آزمون
مسئولیت فردی و اجتماعی	ضریب پیرسون	.۴۰۱
	Sig (سطح معناداری)	.۰۰۰
	فراوانی	۳۷۲

نتایج حاصل از جدول حاکی از آن است که بین بعد مسئولیت فردی و اجتماعی با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. لذا همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی ($r = 0,401$) در سطح ($p = 0,01$) معنادار است و جهت رابطه به صورت مثبت و مستقیم است. یعنی هر چه مسئولیت فردی و اجتماعی افزایش یابد، فرهنگ شهروندی دانشجویان نیز ارتقاء می‌یابد.

۲- پرسش فرعی دو: آیا بین پایبندی به قوانین و عرف جامعه با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟ به‌منظور پاسخ‌دهی به این پرسش پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج در ادامه ذکر شده است.

جدول شماره ۳: سنجش رابطه بین پایبندی به قوانین و عرف جامعه با فرهنگ شهروندی

شاخص	فرهنگ شهروندی	نتیجه آزمون
پایبندی به قوانین	ضریب پیرسون	۰.۵۰۱
و عرف جامعه	Sig (سطح معناداری)	۰.۰۰۰
	فراوانی	۳۷۲

نتایج حاصل از جدول حاکی از آن است بین پایبندی به قوانین و عرف جامعه با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین مشاهده می‌شود ضریب همبستگی ($r=0,501$) در سطح ($p=0,01$) معنادار است و جهت رابطه به صورت مثبت و مستقیم است، یعنی هر چه بعد پایبندی به قوانین و عرف جامعه بیشتر باشد، فرهنگ شهروندی دانشجویان نیز ارتقاء می‌یابد.

۳- پرسش فرعی سه: آیا بین مشارکت‌پذیری با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟ به منظور پاسخ‌دهی به این پرسش پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج در ادامه ذکر شده است.

جدول شماره ۴: سنجش رابطه بین مشارکت‌پذیری با فرهنگ اجتماعی

شاخص	فرهنگ شهروندی	نتیجه آزمون
مشارکت‌پذیری	ضریب پیرسون	۰.۵۰۳
	Sig (سطح معناداری)	۰.۰۰۰
	فراوانی	۳۷۲

نتایج حاصل از جدول حاکی از آن است بین مشارکت‌پذیری با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین مشاهده می‌شود ضریب همبستگی ($r=0,503$) در سطح ($p=0,01$) معنادار است و جهت رابطه به صورت مثبت و مستقیم است، یعنی هر چه بعد مشارکت‌پذیری بیشتر باشد، فرهنگ شهروندی دانشجویان نیز ارتقاء می‌یابد.

۴- آیا مؤلفه‌های الگوی شهروندی یاری (مسئولیت فردی و اجتماعی، پایبندی به قوانین و عرف جامعه و مشارکت‌پذیری) توانایی پیش‌بینی فرهنگ شهروندی دانشجویان را دارند؟ به منظور بررسی قدرت مؤلفه‌های الگوی شهروندی یاری (مسئولیت فردی و اجتماعی، پایبندی به قوانین و عرف جامعه و مشارکت‌پذیری) در فرهنگ شهروندی دانشجویان از تحلیل رگرسیون

چندگانه با ورود همزمان استفاده شد که نتایج آن در ادامه ذکر شده است. ابتدا خلاصه‌ای از نمای کلی مدل در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول شماره ۵: خلاصه‌ای از نمای کلی مدل رگرسیون چندگانه

رگرسیون	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح خطای معیار تعیین
مدل اینتر	.۶۶۷	.۴۴۵	.۴۳۳	.۳۵۷۵۴

همان‌طور که از جدول بالا استنباط می‌شود، همبستگی بین متغیرها ۰.۶۶۷ درصد است. و اینکه ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۴۴/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط مؤلفه‌های متغیر مستقل (مذکور در جدول بالا) تعیین می‌گردد.

در جدول ۶، به میزان تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیر مستقل و به میزان تغییرات متغیر وابسته از طریق سایر متغیرها و نیز مجموع مجذورات، مجموع میانگین‌ها، درجه آزادی، F و سطح معناداری پرداخته شده است.

جدول شماره ۶: وضعیت واریانس مدل رگرسیون

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجموع میانگین‌ها	f	سطح معناداری
میزان تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیر مستقل	۳۶/۰۱۵	۸	۴/۵۰۲		
میزان تغییرات متغیر وابسته از طریق سایر متغیرها	۴۴/۸۶۹	۳۶۳		۳۵/۲۱۷	.۰۰۰
مجموع	۸۱۴/۸۰	۳۷۱	.۱۲۸		

نتایج حاصل از جدول حاکی از معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها است. و sig به‌دست‌آمده ۰.۰۰۰ معناداری در سطح ۰.۹۹ را نشان می‌دهد.

همچنین جدول ۷، متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون برای تبیین فرهنگ شهروندی را نشان داده است.

جدول شماره ۷: متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون برای تبیین مهارت‌های زندگی

شاخص	B	Deta	t	sig
Constant (ثابت)	۱/۱۷۸		۵/۵۹۸	.۰۰۰
مسئولیت فردی و اجتماعی	-۰.۰۲۲	.۰۲۸	-۰.۶۰۷	.۰۰۰
پایبندی به قوانین و عرف جامعه	.۲۷۸	.۳۴۱	۷/۲۶۳	.۰۰۰
مشارکت‌پذیری	.۳۱۳	.۳۷۶	۸/۰۹۲	.۰۰۰
F= 35/217 sig(f)= .000 R= .667 R Square= .445				

در مورد اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیش‌بینی معادله رگرسیون باید از مقادیر **Beta** استفاده کرد. بزرگ بودن مقدار **Beta** نشان‌دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیش‌بینی متغیر وابسته است. بنابراین از نتایج جدول می‌توان استنباط کرد متغیر مشارکت‌پذیری به مراتب سهم بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها در پیش‌بینی متغیر وابسته دارد؛ زیرا یک واحد تغییر در انحراف معیار آن، باعث می‌شود تا انحراف معیار متغیر وابسته (فرهنگ شهروندی) به اندازه ۰.۳۷۶ تغییر کند. درحالی‌که یک واحد تغییر در انحراف معیار پایبندی به قوانین و عرف جامعه باعث می‌شود تا انحراف معیار متغیر وابسته به اندازه ۰.۳۴۱ تغییر نماید. همچنین یافته‌های جدول حاکی از آن است که ۳ مؤلفه از متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون (مسئولیت فردی و اجتماعی، پایبندی به قوانین و عرف جامعه و مشارکت‌پذیری) برای تبیین فرهنگ شهروندی معنادار می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ و تربیت شهروندی یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه‌شناختی در کشورهای مختلف جهان است و مجموعه عواملی که توجه به این مقوله را در نظام جامعه‌شناختی توجیه می‌کنند، در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز مصداق دارند. بدیهی است که هدف‌ها و شیوه‌های تربیت شهروندی به شدت متأثر از ارزش‌ها و نظام سیاسی و فلسفی حاکم بر جامعه است، اما نظر به تغییر و تحولات جامعه ایرانی با عنایت به عزم ملی برای توسعه و دستیابی به فضای اجتماعی باز و مدنی، اهمیت تربیت شهروندی و گنجاندن آن در برنامه‌های مختلف از جمله برنامه‌های علمی، آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، جامعه‌شناسی و حتی برنامه‌های درسی مدارس و آموزش عالی از اولویت زیادی برخوردار می‌گردد، اولییتی که اگرچه در حال حاضر مورد غفلت قرار گرفته است. از این‌رو؛ هدف از این پژوهش بررسی نقش الگوی شهروندی در ارتقاء فرهنگ شهروندی

دانشجویان بود. این پژوهش با در نظر گرفتن جامعه‌ای متشکل از دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی استان تهران که در هر سه پایه علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی مشغول تحصیل بودند در قالب دو پرسشنامه محقق ساخته و از طریق سه مؤلفه مسئولین فردی و اجتماعی، پابندی به قوانین و عرف جامعه و مشارکت‌پذیری و مجموعاً ۳۲ شاخص انجام شد. در این قسمت، نتایج حاصل از این مطالعه با توجه به هرکدام از فرضیات پژوهش موردبحث و بررسی بیشتر قرار می‌گیرد.

نتایج پرسش اصلی پژوهش

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون درباره پرسش اصلی پژوهش نشان داد که بین الگوی شهروندیاری با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان ادعا داشت که یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه بین الگوی شهروندیاری با فرهنگ شهروندی دانشجویان، به نوع جدیدی هم‌راستا با یافته‌های پژوهش‌های سپیانی و همکاران (۱۳۸۶)؛ قلی زاده و همکاران (۱۳۸۹)؛ نیکنامی و مدانلو (۱۳۸۷)؛ و میدلتون (۲۰۰۳) است. وجود رابطه مثبت و مستقیم بدین معنی است که هرچه توجهات به سمت الگوی شهروندیاری بیشتر باشد و در این زمینه افراد آگاهی بیشتری داشته باشند، فرهنگ شهروندی نیز در بین دانشجویان ارتقاء می‌یابد. بدین‌صورت دانشجویان با استفاده و به‌کارگیری از الگوی شهروندیاری در برخورد با مسائل، ژرف‌اندیش، جامع‌نگر و انعطاف‌پذیر بوده و دارای تمرکز تفکر، حساسیت در مقابل ادراکات و پیوند آن‌ها جهت فهم حقایق می‌باشند. این‌چنین دانشجویانی توانایی و آمادگی‌های لازم جهت ارزش‌گذاری و قضاوت صحیح را دارا بوده و به گونه طبیعی سایر افرادی که با چنین دانشجویانی آداب و معاشرت دارند، دارای روحیه بالاتری نسبت به سایرین هستند. به‌زعم اندرسون و همکاران (۲۰۰۲)، شهروندی از یک‌سو به شهر با هویت شهری تعلق دارد و از دیگر سو با هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی رابطه مستقیم دارد. امروزه محتوای اصول نظام شهروندی در بسیاری از کشورها در قالبی برنامه‌ریزی‌شده به شهروندان منتقل می‌شود و مهم‌ترین کارکرد آموزش فرهنگ شهروندی کاهش آسیب‌های اجتماعی درب‌ین دانش‌آموزان و به‌ویژه دانشجویان قلمداد می‌گردد.

نتایج پرسش‌های فرعی

۱- نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین مسئولیت فردی و اجتماعی با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. جهت رابطه به‌صورت مثبت و مستقیم

است، یعنی هر چه مسئولیت فردی و اجتماعی دانشجویان افزایش یابد، فرهنگ شهروندی آن‌ها نیز ارتقاء می‌یابد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه بین مسئولیت فردی و اجتماعی با فرهنگ شهروندی دانشجویان، به نوع جدیدی هم‌راستا با یافته‌های پژوهش‌های نیکنامی و مدانلو (۱۳۸۷)؛ هاشمی (۱۳۸۹)؛ و بنابو و تیلور (۲۰۰۵)، است. طبعاً دانشجویانی که مسئولیت‌پذیرند (به‌ویژه هم‌زمان مسئولیت‌های فردی و اجتماعی را می‌پذیرند)، درصدد حل مشکلات جامعه (در مفهوم عام) و شخصی (در مفهوم خاص) می‌باشند، همچنین این دانشجویان قبل از تصمیم‌گیری اطلاعات همه‌جانبه‌ای فراهم می‌آوردند و در مورد مسائل و مشکلات، فوری و آنی تسلیم نمی‌شوند. این قبیل دانشجویان نگاه ویژه‌ای به مسائل جامعه‌شناختی دارند. مسائلی که هرکدام از آن‌ها به‌عنوان چالشی مهم برای کشور محسوب شده و آن‌ها با رصد کردن این چالش‌ها، تحقیق بر روی آن‌ها و ارائه راهکار، درصدد مقابله با چالش برمی‌آیند. به‌زعم بنابو و تیلور (۲۰۰۵)، این دسته از دانشجویان با مسئولیت‌پذیری در بعد شخصی، زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شوند. مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زیادی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها دگر خواهی در روابط اجتماعی است. دگر خواهی به روان شدن روند تعاملات در نهادهای اجتماعی کمک کرده، باعث می‌شود نهادهای جامعه به‌خوبی کارکرد خاص خود را انجام داده، نیازهای اصلی جامعه را به‌خوبی پاسخ داده باشند. این عامل را می‌توان در جامعه ایران نیز مورد کنکاش قرار داد؛ چراکه جوامعی مانند جوامع ایران که از نظر فرهنگی و قومیتی زیادی هم وجود دارد، مسئولیت‌پذیری و دگر خواهی اهمیت ویژه‌ای دارد.

۲- نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین پایبندی به قوانین و عرف جامعه با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه بین پایبندی به قوانین و عرف جامعه با فرهنگ شهروندی دانشجویان، به نوع جدیدی هم‌راستا با یافته‌های پژوهش‌های قلی زاده و همکاران (۱۳۸۹)؛ یانگ (۲۰۰۲)، است. جهت رابطه به‌صورت مثبت و مستقیم است، یعنی هر چه پایبندی به قوانین و عرف جامعه در دانشجویان افزایش یابد، فرهنگ شهروندی آن‌ها نیز ارتقاء می‌یابد. دانشجویانی که به قوانین و عرف جامعه پایبند هستند امور بدیهی و روشن را زیر سؤال می‌برند و برایشان مهم است که به ریشه و عمق قضایا پی ببرند. این دانشجویان در انجام هر کاری ابتدا قوانین حاکم بر جامعه را در نظر گرفته و از انجام کارهایی که عرف جامعه آن را نمی‌پذیرد اجتناب می‌کنند. به‌زعم بوسا^۱ (۲۰۰۶)، این نوع دانشجویان با پذیرش و نهادینه کردن انواعی از هنجارهای قانونی و حقوقی که به

شکل پایدار ضمن تأمین نیازهای افراد، روابط پایدار اجتماعی را باعث می‌شوند. همچنین این قبیل دانشجویان با درک قواعد و مقررات جامعه در پی فعالیت‌ها، تمایلات و نیازهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متمر ثمر بوده و مانع از اعمال ستم و زور به شهروندان می‌شوند.

۳- نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین مشارکت‌پذیری با فرهنگ شهروندی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه بین مشارکت‌پذیری با فرهنگ شهروندی دانشجویان، به نوع جدیدی هم‌راستا با یافته‌های پژوهش‌های فاندی (۱۳۸۵)؛ هاشمی و همکاران (۱۳۸۷)؛ و کارتر و کاستیرو^۱ (۲۰۰۳)، است. جهت رابطه به صورت مثبت و مستقیم است، یعنی هر چه مشارکت‌پذیری در دانشجویان افزایش یابد، فرهنگ شهروندی آن‌ها نیز ارتقاء می‌یابد. طبعاً دانشجویانی که اصل مشارکت‌پذیری را پذیرفته‌اند، ابتدا به معنای واقعی، پی به مفهوم مشارکت‌جو بودن برده‌اند. این دانشجویان با مهم شمردن اصل مشارکت‌جویی در راستای ارتقاء فرهنگ شهروندی در جامعه، اصل مشارکت‌پذیری را نیز مهم می‌شمارند. به‌زعم کارتر و کاستیرو (۲۰۰۳)، مشارکت‌پذیری سبب تخفیف بار سنگین مسئولیت‌ها از دوش یک فرد شده و فشارهای روانی ناشی از فردگرایی را به امنیت روانی و عاطفی حاصل از مشارکت‌پذیری تبدیل می‌کند. همچنین مشارکت‌پذیری در بین دانشجویان می‌تواند به درک متقابل و همدلی بیشتر کمک کند. فرض فقدان هر نوع مشارکت پویا، نشان از عدم اعتماد در بین دانشجویان است. درواقع می‌توان گفت مشارکت‌پذیری کارآمدی دانشجویان در دستیابی به اهداف را افزایش می‌دهد؛ به طوری که هر قدر قلمرو فعالیت‌های فکری، عاطفی و رفتاری دانشجویان بیشتر باشد به همان میزان پیامدهای آن در مقایسه با مشارکت‌پذیری محدودتر و ناقص‌تر خواهد بود.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهادهای چندی در راستای ارتقاء فرهنگ شهروندی دانشجویان ارائه می‌شود:

فرهنگ شهروندی مفهومی است که در طول زمان معنا یافته است و مسلماً در طول زمان مفهوم و مصداقی متفاوت پیدا خواهد کرد. از این رو توجه به بعد زمانی در عناصر سازه‌ای آن همچون میراث فرهنگی که ریشه در بعد زمان دارد توجهی خاص می‌طلبد. از این رو توجه صرف به یک بعد آموزشی با رویکردی خاص نمی‌تواند پاسخ‌گوی قابلیت و کارکردهای فرهنگ باشد و به

^۱ - Carter & Castillo

نظر می‌رسد رویکرد ادغامی با بهره‌گیری از نقاط مثبت هر رویکرد پاسخ مناسبی برای این مهم باشد.

در بعد آموزشی فرهنگ شهروندی در راستای فرهنگ جهان‌وندی مبتنی بر چند فرهنگ‌گرایی توأم با احترام به ارزش‌های مشترک انسانی لازم است تأکید بیشتری صورت گیرد. دانشجویان باید بیاموزند جهانی که بسیار وسیع‌تر از محله، منطقه و کشورشان است متشکل از مردمی است که علاوه بر اینکه دیگران را متفاوت می‌بینند خود متفاوت‌اند از این‌رو تأکید بر ادغام و اختلاط فرهنگی در محتوی کتب آموزش فرهنگ شهروندی می‌تواند زمینه تفکر قالبی در دانشجویان را کاهش دهد و آن‌ها بی‌تفاوت‌ها را صرفاً از دید تفاوت در فرهنگ‌ها و عادات ببینند نه تفاوت‌های ذاتی که منجر به تشکیل نگرش‌های نژادپرستانه و قوم‌محورانه در عرصه جهانی شده و نتیجتاً موضع فرسایش و مقاومت در برابر جهانی‌شدن را افزایش دهد.

آگاهی از نقش شهروند جهانی نه تنها تعلق و دل‌بستگی به سرزمین مادری را کاهش نمی‌دهد بلکه باعث حذف مرزهای سیاسی و قراردادی میان انسان‌ها و تبدیل به یک کل واحد می‌گردد. از سوی دیگر باعث افزایش تعلق به جهان به‌عنوان زیستگاه مشترک انسانی می‌گردد. از این‌رو در بعد سیاست‌گذاری کلان‌بایستی به‌دقت به این امر توجه کرد که مفهوم جهانی‌شدن را در قالب تئوری توطئه و به مضمون جهانی کردن تئوریزه نکرد و گفتمان‌گذار سنت به مدرنیته را در قالب فرصتی برای رسیدن به مبانی مشترک انسانی تعبیر نمود.

همچنین مشارکت دادن دانشجویان در مسائل، مشکلات و امور جامعه ملی و محلی کمک‌شایانی خواهد نمود.

منابع

۱. پژمان، نوید (۱۳۸۷)، چرا شهروندان خوبی نیستیم؟!، مجله گزارش، آذر ۱۳۸۷، شماره ۲۰۳، صص ۴۶ - ۴۷
۲. سپیانی، عبدالرضا، سعادت‌مند، زهره و کریمی، فریبا، (۱۳۸۶)، شیوه‌های آشناسازی دانش آموزان دوره متوسطه فریدون‌شهر با حقوق شهروندی، مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۱۵، صص ۸۳ تا ۹۴
۳. سعادت‌مند، زهره و سرلک، ناهید، (۱۳۹۱)، ضرورت آموزش شهروندی و مهارت‌های زندگی به دانش آموزان، پیوند «تابستان ۱۳۹۱ - شماره ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵، صص ۴۳-۴۵»
۴. شیانی، ملیحه (۱۳۸۴). شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، حقوق تأمین اجتماعی. تهران: انتشارات پژوهشکده تأمین اجتماعی بهار. سال اول. شماره ۱
۵. عالی، شهین‌دخت، (۱۳۸۱)، «راهکارهای آشناسازی مردم با حقوق شهروندی و نهادینه کردن آن»، چکیده مقالات و تحقیقات همایش راهکارهای توسعه فرهنگ شهروندی، اصفهان، انتشارات محبان.
۶. قائد، یحیی، (۱۳۸۵)، تربیت شهروند آینده، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش، شماره ۱۷، سال پنجم، صص ۲۱۰-۱۸۳
۷. قلی‌زاده، شریفی و شاه‌طلبی، (۱۳۸۹)، تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌های هویت ملی و جهانی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی، مجله رهبری و مدیریت آموزشی، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱۲، ۷۳ تا ۹۶
۸. کاستلز، دیویدسون آ، (۱۳۸۲)، مهاجرت و شهروندی، (ترجمه تقی‌لو)، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۹. گوزای، آرش، (۱۳۸۷)، مطالعه تطبیقی - تحلیلی شیوه انتخاب و سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی و آموزش شهروندی در مقطع آموزش ابتدایی باسوئد، تربیت شهروند آینده، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲۵، سال هفتم، صص ۴۸-۱۱
۱۰. محمودی، محمدتقی، (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال هشتم، دوره دوم، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۲۸ و ۲۹) بهار و تابستان ۱۳۹۰
۱۱. نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰). جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، مدیریت شهری. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها. شماره پنجم

۱۲. نیکنامی، مصطفی و مدانلو، یاسمن، (۱۳۸۷)، تعیین مؤلفه‌های آموزش شهروندی در دوره راهنمایی تحصیلی جهت ارائه یک چارچوب نظری مناسب، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، صص ۱۶۴-۱۳۷
۱۳. هاشمی، سید احمد، (۱۳۸۹)، بررسی میزان استفاده از مفاهیم تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، از دیدگاه دبیران دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال چهارم، شماره یک، صص ۱۰-۱۴۱
۱۴. هاشمی، سهیلا، صالحی عمران، ابراهیم؛ ولی پور خواجه غیائی، رقیه، (۱۳۸۷)، بررسی حیطه‌های شهروندی در نظام آموزش عالی از دیدگاه استادان و دانشجویان مطالعه‌ی موردی دانشگاه مازندران، مجله علوم تربیتی (علوم تربیتی و روانشناسی)، پاییز ۱۳۸۷، دوره چهارم، سال پانزدهم، شماره ۳، صص ۱۳۲-۹۹
۱۵. هرناندز و مایر، (۱۳۸۷)، یادگیری برای هزاره نوین چالش‌های یادگیری در قرن ۲۱، مرکز مطالعات استراتژیک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

16. Allayer, E. (1998). American, middle school.
17. Anderson E, Hoeberigs R, Mackinnon L , Thwaites T(2004). Culturally inclusive arts education in Aotearoa. New Zealand, School for Visual and Creative Arts in Education. The University of Auckland New Zealand, 1-3.
18. Arthur, J., & Bailey, r. (2000). Schools and community. The communitarian's agenda in education London: flamer.
19. Basu, K. (2006). Identity, Trust and Altruism, Sociological Clues to Economic Development. Available (17/12/2011) in <http://economics.cornell.edu/cae/06.05.pdf>.
20. Benabou, R. & Tirole, J. (2005) "Incentives and Prosocial Behavior", Discussion Paper No. 1695, in the institute for study of Labor (IZA), Germany
21. Carter, M. R. & Castillo, M. (2003). The Economic Impacts of Trust and Altruism: An Experimental Approach to Social Capital. Available in elsa.berkeley.edu/users/webfac/bardhan/e271_spo3/carter.pdf.
22. Grossman D (2000). The global and the local in partnership: Innovative approaches to citizenship education. paper presented at the sixth Unesco- Aceid, international conference on education, Thailand Bangkok,
23. Isin, E.F. & turner, B.S, (2002). political citizenship: foundation of rights, handbook of citizenship studies, sage publications, pp. 1-11.
24. Janoski, T. & gran, B. (2002). political: an introductions of rights, handbook of citizenship studies, sage publications, New Delhi, pp. 13-53.
25. Janoski. T, Gran B (2002). Political citizenship: foundations of rights, handbook of citizenship studies, Sage publications, New Delhi , 13-53.
26. Jerome, Lee. (2006). Citizenship Education Experiences? working with trainee teacher to facilitate active citizenship in schools. Teacher Development 10: 3 pp313-329.
27. Middleton, j. (2003). Theory and research in social education. March. Pp. 44-72.
28. Morris, P. and Cogan, M. (2001). "A Comparative Overview: Civic across six Societies." International Journal of Educational Research, 35: 109-123

29. Roche ,M (2002).Social citizenship: Grounds of social change handbook of citizenship studies, Sage publications, New Delhi, 69-86.
30. Warneken, F. & Tomasello, M. (2009). The Roots of Human Altruism. British Journal of Psychology, Vol. 100, P: 455-471.
31. Yong, H. (2002). Citizenship Education for Young People with Special Education Needs. London: Institute for Citizenship.